

نشریه مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران
دوره ۶۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۰۵

ص ۲۱۷-۲۳۲

بوم‌شناسی فرهنگی؛ تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی

در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در مرتع (مطالعه)

موردی: روستای قصر یعقوب- خرم‌بید- استان فارس)

- ❖ ساره راسخی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، گروه مرتعداری، تهران، ایران
- ❖ مهدی قربانی*؛ استادیار دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران
- ❖ علی‌اکبر مهربانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، گروه آبخیزداری، تهران، ایران
- ❖ سید اکبر جوادی؛ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی، گروه مرتعداری، تهران، ایران

چکیده

همیاری در نظام گله‌داری و دانش بومی مدیریت فرآورده‌های شیری از دیرباز در کشور ما مورد توجه بوده و با فرهنگ و محیط هر منطقه سازگار شده است. تحقیق حاضر به تحلیل دانش بومی و انسجام اجتماعی در مدیریت شیر دام‌های چراکننده در روستای قصر یعقوب شهرستان خرم‌بید در استان فارس می‌پردازد. روش تحقیق این بررسی به شیوه پیمایشی است. به جهت تولید اطلاعات، از روش مشاهده مستقیم، مشاهده مشارکتی، و مصاحبه سازمان‌یافته بهره گرفته شد. نتایج تحقیق به بررسی عملکرد سیستم مدیریتی تعاونی همشیری در بین زنان روستایی با عنوان «شیردان»، ابعاد مختلف دانش بومی، مکانیسم مدیریت شیر در بین زنان، و همچنین سنت‌ها و عرف محلی مرتبط با آن می‌پردازد. بر اساس نتایج این تحقیق، می‌توان بیان کرد که زنان روستایی، در روستای مورد مطالعه، بر اساس عرف محلی خود و به منظور مدیریت شیر دام‌ها، نهاد اجتماعی را بر اساس آداب و رسوم محلی شکل داده‌اند. این شکل‌ها برخاسته از دانش بومی منطقه است و نوعی سرمایه اجتماعی برای بهره‌برداران به‌شمار می‌رود و نقش مهمی در حفظ و تقویت انسجام اجتماعی و پایداری مؤلفه‌های اقتصادی ساکنان منطقه ایفا می‌نماید.

واژگان کلیدی: انسجام اجتماعی، بوم‌شناسی فرهنگی، دانش بومی، روستای قصر یعقوب، شیردان، نهاد اجتماعی

مقدمه

بوم‌شناسی مطالعه تعامل بین موجودات زنده و محیط زیست آنهاست. از این رو، می‌توان مدعی شد که بوم‌شناسی کهن‌ترین علم بشری است. انسان همواره از آغاز خلقت برای تداوم بقا نیازمند اطلاعاتی بوده است که، امروزه، در چارچوب علم اکولوژی یا بوم‌شناسی قرار می‌گیرد. انسان‌ها، همچنین، در طول تاریخ، همیشه از محیط و منابع اطراف خود در جهت بقا، پیشرفت، و شکل‌گیری فرهنگ و تمدن خود بهره برده و در این مسیر به تجربه و دانشی دست یافته‌اند که به جرئت می‌توان گفت بخشی از سرمایه ملی هر قوم است. اقوام گوناگون این دانش را، که دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، و آگاهی‌های محلی آنان است، در طی قرون و طی تعاملاتی با محیط اطرافشان کسب کرده‌اند. بازخوردهای فرهنگی مرتبط با ارتباط متقابل انسان با محیط زیست پیرامونش، از جمله دانش بومی، از طریق رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی مطالعه می‌شود. همچنین، بوم‌شناسی فرهنگی جنبه‌های مختلف فرهنگ و محیط زیست را بررسی می‌کند، از جمله اینکه چرا و چگونه می‌توان از یک فرهنگ برای حل مشکلات معاش بهره برد؟ [۱۷].

بیش از سه دهه از آغاز تلاش‌های سازمان‌یافته بین‌المللی در زمینه پژوهش دانش بومی جوامع سنتی می‌گذرد. نخست این پژوهش صرفاً برای یادگیری فنون کشاورزی، معماری، و طب سنتی و به منظور ابداع تکنولوژی مناسب صورت می‌گرفت. اما صاحب‌نظران توسعه هم‌اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که، برای جلوگیری جلدی از تبعات زیان‌بار توسعه صنعتی، بهره‌برداری مقطعی و یا دست‌کاری‌های موردی در نظام توسعه صنعتی کافی نیست. بنابراین، تلاش گسترده‌ای برای بهره‌برداری فرهنگی و اجتماعی از یافته‌های دانش بومی آغاز شده است. در سه دهه اخیر، صاحب‌نظران توسعه، در محافل

بین‌المللی، بر لزوم برنامه‌ریزی توسعه و مدیریت منابع به طور غیرمتمرکز و با مشارکت مردم محلی تأکید کرده‌اند [۱۲]. به طور کلی، تداوم در حفظ مدیریت سنتی منابع تجدیدپذیر برای ساختن یک زندگی پایدار با استفاده از دانش بومی و مکانیسم‌های مشارکتی در جامعه زنان و مردان روستایی ضروری است. از این رو، پژوهش در زمینه‌هایی چون شیوه‌های یاریگری، شکل‌سازی، و نیز شناخت‌شناسی بومی نیز آغاز شده است [۱].

بهره‌برداران مرتع، اعم از جامعه عشایری و روستایی، در ایران، از سالیان بسیار دور اندوخته‌های ارزشمندی در زمینه دانش بومی مدیریت مرتع دارند. این اندوخته‌های ارزشمند پتانسیل‌های فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی این جامعه کهن به‌شمار می‌روند. سازگارشدن با تغییرات محیطی نمونه‌ای از روش‌های مدیریتی بهینه است که انسان‌ها، به‌ویژه جوامع بومی و محلی، با آن بسیار سروکار دارند. یک جامعه سنتی، که در دورترین نقاط جغرافیایی زندگی می‌کند و نمی‌تواند به کمک‌های نهادهای دولتی متکی باشد، دانش اکولوژیک بومی، همچون سنگربانی، حافظ پایداری فرهنگی و بقای فیزیکی آن جامعه است [۱۰]. بیش از سه قرن است که دانش اکولوژیک بومی در کشورهای جهان سوم نقشی کلیدی در توسعه فرهنگی و اقتصادی این کشورها ایفا می‌نماید [۱۱، ۲۱]. تجربه نشان می‌دهد که دانش بومی نه‌تنها با دانش رسمی تعارض و تناقض ندارد، بلکه ویژگی‌های متفاوت دانش بومی می‌تواند مکمل مناسبی برای دانش رسمی باشد [۱۸]. کارشناسان و متخصصان باید پذیرند که از مردم محلی هم می‌توان مسائل بسیار باارزشی آموخت. شناخت و احترام‌نهادن به دانش بومی مردم و طرح واقعیات برای آنان از مهم‌ترین عوامل جلب مشارکت و ایجاد انگیزه است. ارزش‌های سنتی، به

سنتی در جامعه ایران انجامیده است [۹]. شیوه‌های مشارکت و یاریگری در بهره‌برداری، در مناطق مختلف ایران، متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی آن منطقه اتخاذ می‌شود و، در نهایت، یک نظام بهره‌برداری پایدار را پدید می‌آورد که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشته این مرز و بوم دارد و تا جامعه پابرجاست، به عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی، به تکامل ادامه می‌دهد [۱۰]. یکی از مهم‌ترین تعاونی‌های سنتی در مدیریت شیر دام‌ها در بین گله‌داران ایرانی تعاونی سنتی «واره» است. در واقع، واره نوعی سازمان کهن، غیر رسمی، و تعاونی سنتی غالباً زنانه با محور اصلی همپاری است. اگرچه محور اصلی مبادله در واره مبادله پایاپای (شیر به شیر) است، در حاشیه آن مبادلات اقتصادی، اجتماعی، و روانی دیگر نیز اتفاق می‌افتد. ظاهراً، همانند دیگر سنت‌های یاریگری در جوامع محلی ایران، واره نیز راه‌حلی اجتماعی و فرهنگی برای استفاده مشارکتی با بهره‌وری بالاتر از منابع بوده است [۸]. بنابراین، با توجه به اهمیت دانش بومی و سنت‌های محلی رایج در زمینه مدیریت و تولید شیر دام‌های گوسفندی و ارتباط این سنت‌ها بر پایداری مؤلفه‌های اقتصادی زندگی ساکنان روستایی، در این تحقیق روستای قصر یعقوب خرم‌بید، در استان فارس، برای بررسی سنت‌های محلی و دانش بومی در مدیریت شیر دام‌ها، در قالب پیوندهای همپاری در شبکه زنان روستایی، انتخاب گردید.

روش‌شناسی

منطقه مورد مطالعه

در این تحقیق روستای قصر یعقوب، از توابع بخش مرکزی شهرستان صفاشهر واقع در شمال استان فارس، با مختصات جغرافیایی ۵۳ درجه و ۸ دقیقه طول شرقی و ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی،

عنوان بستر و پایه مطالعات، همراه با روش‌ها و تکنیک‌های مدرن و دیدگاه‌های جاری در زمینه استفاده چندمنظوره و بهینه از منابع، از اهمیت والایی برخوردارند [۱۹]. امروزه، استفاده هم‌زمان از دانش بومی و دانش رسمی یک استراتژی اساسی است، که متخصصان برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه بدان تأکید کرده‌اند تا بدین ترتیب در مطالعات و پیش از اجرای طرح‌های مشارکتی، به منظور جلب مشارکت‌های بیشتر مردمی، به شناسایی دانش بومی و روش‌های سنتی پرداخته شود [۱۳، ۱۵]. امروزه، این دانش شفاهی، که از نسلی به نسل بعد سینه به سینه انتقال یافته، به سرعت رو به نابودی است؛ زیرا با مرگ هر سنت کهنی بخش عظیمی از آن به فراموشی سپرده می‌شود [۵]. جوامع دامدارانی که در یک منطقه زندگی می‌کنند، از نظر سازمانی یا گروه‌های درونی، دارای واحدهای مختلفی متشکل از زنان و مردانند برای نظم‌دادن به بهره‌برداری از مراتع و محصولات تولیدی و غیره [۱۴]. این نظم و دانش بومی، که به تعبیر امروزی «مدیریت» نامیده می‌شود، ضامن بقا و حفظ مرتع در ادوار گذشته بوده است. از جمله شیوه‌های مدیریتی می‌توان به همگردانی مشارکتی و یاریگری خود بهره‌برداران در روستا اشاره کرد که، ضمن اینکه بیانگر روحیه مشارکت و تعاون میان بهره‌برداران یک عرصه است، نیز تضمینی است بر تبدیل این جوامع بر ارکان اجرایی مؤثر در حفاظت منابع طبیعی. یاریگری از ویژگی‌های جوامع سنتی است و جامعه سنتی ما نیز، در گذشته و حال، در موارد گوناگون و برای مقابله با دشواری‌های زندگی اجتماعی، به چنین راه‌حلی‌هایی نیازمند بوده و هنوز نیز نیازمند است. برخورد سازنده و هشیارانه با این دشواری‌ها، چه در زمینه تولید و چه در زمینه مبارزه با طبیعت و سایر عرصه‌های اجتماعی، به آفرینش شکل‌های بسیار متنوعی از یاریگری‌ها و تعاونی‌های

بومی زنان روستایی در مکانیسم مدیریت شیر دامها، از جمله نحوه مشارکت و مدیریت فرآورده‌های شیری، مکانیسم تقسیم‌بندی شیر دامها بین افراد، و باورها و سنت‌های رایج در مکانیسم تقسیم‌بندی شیر، بررسی شده است.



شکل ۱. سطوح تحلیل در تحلیل بدنه دانش بومی

نتایج

ساختار اجتماعی زنان در الگوی معیشتی

مرتبط با تولید و مدیریت فرآورده‌های شیری

زنان روستایی، به عنوان نیروی انسانی، نه فقط در فعالیت خانگی، که در فعالیت‌های تولیدی بیرون از خانوار نیز اهمیت و سهم بسزایی دارند. زنان روستایی در نقاط مختلف ایران به فعالیت‌های گوناگونی مشغول‌اند و در حیات ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستا مشارکت فعالانه‌ای دارند. اصولاً زنان در جوامع روستایی و عشایر همگام و پابه‌پای مردان خانواده به فعالیت می‌پردازند و، عموماً، علاوه بر اداره منزل، اموری همچون دوشیدن، مدیریت شیر، و تهیه محصولات لبنی از وظایف زنان روستاست. در روستای قصر یعقوب، زنان روستا تک

که در فاصله ۲۰ کیلومتری جنوب صفاشهر واقع شده است، انتخاب گردید. این روستا از سطح دریای آزاد ۲۱۷۰ متر ارتفاع دارد و آب و هوای آن در بهار و تابستان معتدل و در پاییز و زمستان سرد است. منطقه مورد بررسی حدود ۱۰۲۵ هکتار مساحت دارد و جمعیت روستا، بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، در حدود ۴۰۰ نفر است و دامپروری و کشاورزی از مشاغل اصلی مردم روستاست.

روش مطالعه

در این روستا، بر اساس روش پیمایشی و از طریق مشاهده مستقیم، مصاحبه با گروه‌های هدف، و مشاهده مشارکتی، اطلاعات مرتبط با دانش بومی و سنت‌های محلی در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی تولید گردید. در روستای قصر یعقوب ۳۶ زن روستایی به صورت مشارکتی و در قالب هشت گروه واره در زمینه مدیریت تولیدات شیری و تهیه فرآورده‌های لبنی دام فعالیت می‌کنند. برای تحلیل دانش بومی رایج در منطقه و به منظور شناخت کامل دانش سنتی چندین سطح تحلیلی را می‌توان در نظر گرفت. این سطوح شامل شناخت دانش، عملکرد، ساختار اجتماعی، باورها، و سنت‌هاست (شکل ۱). این چارچوب با شناخت دانش تجربی آغاز می‌شود. در سطح دوم تأکید بر عملکرد دانش بومی است [۱۰]. در سومین سطح، به ساختار اجتماعی مرتبط با دانش بومی توجه می‌شود. در بالاترین سطح تحلیل، تمرکز بر شکل‌گیری درک منطقی و ادراک زیست‌محیطی است، که می‌تواند باورهای بومی، عقاید، و سنت‌های محلی را دربر بگیرد. باید توجه داشت که در تحلیل دانش بومی این چارچوب می‌تواند مؤثر واقع شود و بر اساس آن مؤلفه‌های مختلف دانش بومی قابل بررسی و تحلیل خواهند بود [۱۰]. در این پژوهش، جنبه‌های مختلف دانش

سنت کهن واره پیروی می‌نماید و از دیرباز در نقاط مختلف کشور و با عناوین مختلف از آن استفاده شده است. «سردون» مهم‌ترین نقش را در مکانیسم شیردان بر عهده دارد. سردون در این نظام فردی است که در میان تمامی شرکا مقبولیت اجتماعی دارد. سردون، در کنار مشارکت با دیگران، مسئولیت نظارت بر رعایت عدالت و انصاف را، که پایداری شیردان را تضمین می‌کند، بر عهده دارد. سردون عمدتاً به دو صورت برگزیده می‌شود. که در ادامه به توضیح آن پرداخته می‌شود. به سایر کسانی که با هم در یک گروه شریک می‌شوند «هم‌دون» گفته می‌شود. هم‌دون‌ها عموماً ارتباط بسیار خوب و دوستانه‌ای با هم برقرار می‌کنند، به طوری که گاهی روابط هم‌دون‌ها با یکدیگر صمیمانه‌تر از ارتباط آنان با خانواده‌یشان است.

آغاز چرخه شیردوشی و تعاونی سنتی شیردان

به طور کلی، دامداران از پانزدهم فروردین شروع می‌کنند به استفاده از شیر دام‌ها و دوشیدن آن‌ها. به همین جهت، زن‌ها و اعضای خانواده از همان تاریخ یا اول اردیبهشت به همراه مردها وارد مرتع می‌شوند (در صورتی که در فصل چرا گله خارج از روستا اتراق نمایند) تا زمانی که دامداران به همراه خانواده و دام‌ها مجدداً به روستا بازگردند. کلاً روال به این صورت است که بعد از سی‌ام، بره‌های تازه‌متولدشده را، که به زبان محلی «کرپه» نامیده می‌شوند، به ازای هر دو باری که از مادر شیر می‌خورند یک بار جدا می‌کنند و شیر دام‌ها را می‌دوشند و به تدریج این میزان شیر خوردن از مادر را کم می‌کنند، یعنی تا قبل از اینکه دام‌ها کاملاً از شیر گرفته شوند، همیشه قسمتی از شیر برای بره‌ها گذاشته می‌شود و مابقی دوشیده می‌شود و در این روند هر بار مقدار کمتری شیر برای بره‌ها باقی می‌ماند تا بره از شیر گرفته شود

تک دام‌های خانواده خود را، همراه با ویژگی بارز آن دام‌ها، می‌شناسند. این شناخت به طرق مختلف است؛ گاهی بر اساس ویژگی‌ها و واکنش دام‌ها به شیردوشی است یا بر اساس رنگ و چهره و رفتار دام و حتی گاهی بر اساس صدای دام است. گاهی نیز نبود یک دام را از بره آن دام تشخیص می‌دهند، زیرا شناسایی بره‌ای که شیر نخورده برای آن‌ها سهل و آسان است. این نوع حافظه را حافظه اکولوژیکی یا طبیعت‌گرا می‌نامند. عموماً ساکنان جوامع بومی به علت ارتباط مستمر و مداوم با پدیده‌های اکولوژیک از این حافظه برخوردارند. این حافظه به آنان در مدیریت دام در مرتع و همچنین مدیریت شیر دام‌ها کمک زیادی می‌نماید و اغلب در فضای گروهی و جمعی این حافظه شکل می‌گیرد. گله‌داران روستا با شروع فصل چرا دام‌های خود را برای چرا به مراتع وارد می‌کنند و، با توجه به روستایی بودن منطقه و نزدیکی مراتع به روستا، هر روز، با اذان صبح، گله‌داری که وظیفه‌اش به چرا بردن دام‌هاست دام‌ها را از صاحبان و شرکا تحویل می‌گیرد و برای چرا به عرصه می‌برد. گاهی نیز گله‌داران برای مدتی در آغاز بهار به مراتع می‌روند و مدتی، یعنی تا پایان بهار، که اصطلاحاً نودم نامیده می‌شود، در آنجا باقی می‌مانند و مجدداً به روستا بازمی‌گردند. این روند از آغاز بهار تا اواسط پاییز ادامه دارد و پس از آن دام‌ها مجدداً برای چند ماه تعلیف دستی به آغل بازگردانده می‌شوند. همان طور که اشاره شد، با ورود دام به مراتع در آغاز بهار، گله‌داری، که اصطلاحاً به آن «گماری» هم گفته می‌شود، آغاز می‌شود و هم‌زمان با آغاز چرخه گماری، که توسط مردان روستا انجام می‌گیرد، فعالیت زنان نیز آغاز می‌شود و چرخه شیردوشی، که به زبان محلی آن را «شیردان» می‌خوانند و، در واقع، نوعی نهاد اجتماعی در میان زنان روستاست، آغاز می‌گردد. این چرخه از مکانیسم

شناخت دانش بومی و سنت‌های محلی در

وسایل اندازه‌گیری و پیمان‌زدن شیر دام‌ها

میزان شیر دام‌ها در هر سال یا در هر چرخه وابسته به میزان علوفه و کیفیت علوفه‌های در دسترس دام است، ولی به طور کلی بز، در شرایط عادی، روزانه در حدود یک کیلوگرم و گوسفند روزانه نیم کیلوگرم شیر تولید می‌کند. این میزان شیر هر روز در دو نوبت دوشیده می‌شود، یعنی از هر رأس بز در هر نوبت حدوداً ۵۰۰ گرم شیر دوشیده می‌شود. بیشترین میزان شیردوشی نیز در شصتم (اواخر اردیبهشت)، که بره‌ها رگا شده‌اند، انجام می‌گیرد (شصتم تا نودم ← روزانه بز ۱ کیلوگرم، میش ۰/۵ کیلوگرم شیر). هرچند میزان شیر برای دامداران بسیار بااهمیت است، علاوه بر میزان شیر، چربی شیر نیز حائز اهمیت است. زمانی که شیر حداکثر میزان را دارد، چربی شیر زیاد نیست، یعنی هر ۱ کیلوگرم شیر شاید ۵۰ گرم کره نداشته باشد، ولی در اواخر دوره شیردهی هر ۵۰۰ گرم شیر حدود ۱۰۰ گرم کره تولید می‌کند. یعنی هر چه از بهار بگذرد میزان علوفه و کیفیت آن کاهش می‌یابد، ولی همین علوفه کم و بی‌کیفیت شیر باکیفیت‌تری تولید می‌کند و البته میزان شیر هم کاهش می‌یابد. یعنی میزان شیر در اواسط تابستان (صدوسی‌ام) به کمتر از نصف میزان شیر در بهار کاهش پیدا می‌کند. و در صدوپنجاهم (اواخر مرداد) هم شیر دام‌ها تقریباً خشک می‌شود (از نودم شیر کم می‌شود تا در صدوسی‌ام شیر کاملاً نصف می‌شود و صدوهشتادم شیر خشک است، البته با کاهش میزان شیر از نودم کیفیت شیر افزایش می‌یابد). به طور تقریبی، می‌توان گفت که در سه چرخه اول میزان شیر ثابت است و پس از آن شروع می‌کند به کاهش یافتن. هم‌زمان با کاهش میزان شیر، گوسفند پرورتر و چاق‌تر می‌شود.

و پس از آن دیگر بره‌ها از مادر تغذیه نمی‌کنند و اصطلاحاً دام «رگا» می‌شود و برای این کار گله‌دار از غروب کرپه را از مادر جدا می‌کند تا فردای آن روز قبل از ظهر، قبل از اینکه کرپه‌ها مجدداً در کنار مادر قرار گیرند، مادر دوشیده می‌شود و بعد بره‌ها را به گله اصلی وارد می‌کنند. روند ذکرشده تا پنج‌هجم یا شصتمین روز از سال (اواسط تا اواخر اردیبهشت)، که بره باید از شیر مادر استفاده کند، ادامه می‌یابد. تا این زمان، همان طور که گفته شد، گله‌داران فقط از باقی‌مانده شیر بره‌ها استفاده می‌کنند، یعنی اگر میش یا بزی بیش از نیاز بره خود شیر داشت، گله‌دار آن را می‌دوشد، ولی اگر شیر کمتر از حدی بود که بره را سیر کند و یا میش و بز دارای دو بره باشند، شیر دوشیده نمی‌شود. پس از آنکه دام‌ها در شصتم (آخر اردیبهشت) رگا شدند، صاحب گله می‌تواند تمام و کمال شیر دام را بدوشد. بدین ترتیب، از شصتم دام‌ها کاملاً دوشیده می‌شوند. این دوشیدن کامل یعنی روزی دو بار تا نودم (اول تیرماه). این کار یک بار در صبح و پیش از رفتن دام به مرتع، که به آن «ناشت دوخت» می‌گویند، و یک بار در غروب و پس از بازگشت از چرا، که «پسین دوخت» نامیده می‌شود، انجام می‌گیرد، ولی بعد از نودم، یعنی زمانی که شیر دام کاهش می‌یابد، روزانه فقط یک بار در غروب شیر دام‌ها دوشیده می‌شود و این کار تا آخر شهریور، که دام شیر دارد، ادامه می‌یابد. دوشیدن شیر دام‌ها، مدیریت، و تبدیل شیر به محصولات لبنی در روستا از وظایف زنان است. زنان روستایی این کار را با یاریگری و مشارکتی و در قالب گروه‌هایی با تعداد افراد متغیر انجام می‌دهند. همان طور که پیش از این اشاره شد، در روستای مورد مطالعه به این نوع یاریگری سنتی «شیردان» می‌گویند.

اجتماعی محلی را تشکیل می‌دهند. به این صورت که هر چند نفر از زنان روستا، مثلاً سه تا پنج نفر، با هم در گرفتن و قرض دادن شیر مشارکت می‌کنند. طی این نظام، نخست همگی شیرهای خود را به فردی قرض می‌دهند که در بهار برای نخستین بار از سایر افراد برای هم‌گروه شدن دعوت نموده است. این فرد، که چرخه از او آغاز شده و، پیش از این از او با نام «سردون» یاد شد، معمولاً بیشترین میزان شیر را نیز در گروه داراست. سردون معمولاً به دو شکل انتخاب می‌شود: همان‌طور که گفته شد، این فرد بیشترین شیر را بین شریک‌ها دارد و یا به صورت توافقی میان شرکا یک نفر به عنوان سردون انتخاب می‌شود. فرایند شیر قرض‌دادن و گرفتن به صورت چرخه‌ای تا آخر تابستان، پایان فصل شیردهی، ادامه می‌یابد. به این کار اصطلاحاً «شیردان‌کردن» و یا «دون‌کردن» گفته می‌شود. در روستا نظام گله‌داری و شیردان‌کردن کاملاً از هم جداست. گله‌داری و اینکه چه افرادی با هم در یک گله دام داشته باشند کاملاً در شبکه مردان شکل می‌گیرد و تعاونی سنتی شیردان‌کردن در بین زنان روستا نهادینه شده است. از طرفی دیگر، این‌طور نیست که افرادی که در یک گله با هم شریک‌اند، همسران آن‌ها لزوماً با هم در فرایند تعاونی سنتی شیردان مشارکت نمایند. معمولاً در نظام قرض‌دادن و قرض‌گرفتن شیر مسائلی مانند همسایگی و نزدیک‌بودن منزل افراد مدنظر قرار می‌گیرد و هم‌دون‌ها بر اساس این ملاک‌ها انتخاب می‌شوند. به عبارتی، ملاک دون‌کردن نزدیک‌بودن خانه‌هاست، زیرا جابه‌جایی و بردن شیرها، در صورتی که فاصله زیاد باشد، مشکل ایجاد می‌کند. بنابراین، پیوند همسایگی از مهم‌ترین ملاک‌ها در تعیین هم‌دون‌هاست. مکانیسم شیردان‌کردن به این

برای اندازه‌کردن شیرهایی که قرض داده یا گرفته می‌شود، زنان از پیمانه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. اسامی این پیمانه‌ها به ترتیب از بزرگ به کوچک عبارت‌اند از بزرگ‌ترین ظرف را «قازان» یا دیگ‌بر گویند. در این ظرف شیر را «مایه» می‌زنند و یا می‌جوشانند. این ظرف معادل ۵۰ تا ۷۰ کیلو شیر گنجایش دارد. ظرف بعدی دیگ یا بادیه است که در ابعاد متفاوت است و ابعاد مختلف آن ۵-۲۰ کیلوگرم، که حدود ۵-۱۰ آبگردان شیر است، گنجایش دارد. سومین پیمانه «اوگردون» یا آبگردان نام دارد که حدود ۲ کیلوگرم شیر را می‌گیرد. دیگری «جُوم» یا جام نام دارد که حدود ۵۰۰ گرم گنجایش دارد. و «شربت» یا پیاله که حدود ۲۵۰ گرم شیر در آن جا می‌گیرد.

عملکرد سنت‌های محلی در مکانیسم تعاونی سنتی شیردان در شبکه اجتماعی زنان

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در زمینه تهیه محصولات لبنی، زنان مدیریت شیر دام‌های خانواده را بر عهده دارند. فرایند مدیریت شیر در روستا با دوشیدن شیر دام‌ها آغاز می‌شود. بدین منظور، پیش از خروج یا پس از بازگشت گله و پس جداشدن دام‌های هر فرد و انتقال آن‌ها به آغل، هر یک از زنان دام‌های شیری را به محوطه‌ای در کنار آغل دام‌ها، که اصطلاحاً آن را «حصار» می‌نامند، انتقال می‌دهند و شیر دام‌ها در ظرفی، که اصطلاحاً آن را «گاودوش» می‌نامند، دوشیده می‌شود. ویژگی اصلی این ظرف سنگینی آن است تا به هنگام دوشیدن شیر حرکت و جابه‌جایی دام باعث افتادن ظرف و ریزش شیر نشود. با دوشیدن شیر دام‌ها و در ادامه این فرایند، زنان روستا در نظام شیردان‌کردن با یکدیگر یک شبکه

میزان‌ها را به حافظه می‌سپارند یا از نخ گره‌زدن و خوب‌خط‌گذاشتن استفاده می‌کنند. به این صورت که به ازای هر بادیه شیر که قرض می‌دهند یک گره به نخ می‌زنند و مقدارهای جزئی‌تر، مانند آب‌گردان، جام یا شربتی را به ذهن می‌سپارند. در مورد خوب‌خط هم به همین صورت است؛ به ازای هر بادیه شیر یک خط روی چوب می‌گذارند. پیمان‌های کوچک‌تر نشانه‌ای ندارند و در حافظه ثبت می‌شوند تا در روزهای بعد میزانشان به حد یک بادیه و بیشتر می‌رسد؛ یعنی اگر روز بعدی به طور مثال ۶ آبگردان اضافه بیاید و از قبل هم ۳ آبگردان باشد، مجموعاً یک بادیه می‌شود و یک گره اضافه می‌شود (فردی که شیر قرض می‌دهد یک گره می‌زند و وقتی شیر پس گرفته می‌شود گره باز می‌شود). برخی نیز از سنگ استفاده می‌کنند، یعنی به ازای هر بادیه شیر یک سنگ جدا می‌کنند و همه را در پارچه‌ای می‌پیچند و نگه می‌دارند و بر اساس آن نیز قرض خود را می‌گیرند یا می‌دهند. به طور کلی، از آغاز فصل بهار، که گوسفندان شیر دارند، تا آغاز فصل پاییز، که شیر دام‌ها کم می‌شود و دود کردن تمام می‌شود، به طور متوسط این چرخه چهار تا پنج بار انجام می‌شود؛ البته میزان شیر در چرخه‌های اول تا پنجم متفاوت است. در آغاز میزان شیرها کمتر است، زیرا مقداری از آن به کرپه‌ها و بره‌ها اختصاص می‌یابد. در اول تابستان میزان شیر به حداکثر می‌رسد و حوالی پاییز نیز مجدداً کاهش می‌یابد و متعاقباً این چرخه متوقف می‌شود. گاهی که در زمان قرض‌دادن یا قرض‌گرفتن شیر به نخ زده می‌شود، پس از تسویه آن‌ها و برگرداندن و یا گرفتن مجدد شیر باز می‌شود. طی شدن چرخه نیز متفاوت است و کاملاً به میزان شیر بستگی دارد، یعنی اگر در آغاز فصل بهار که شیر

صورت است که زن‌هایی که با یکدیگر مشارکت دارند در هر چرخه شیر خود را به یک نفر از اعضا می‌دهند. مثلاً در آغاز چرخه اول همه هم‌دون‌ها شیرهای خود را به سردون قرض می‌دهند. این کار تا چند روز ادامه می‌یابد و بعد از آن سردون و هم‌دون‌ها شیر را به یکی از هم‌دون‌ها قرض می‌دهند. تا پایان چرخه این روند ادامه دارد و هر بار همه هم‌دون‌ها شیرهای خود را به یکی از هم‌دون‌ها قرض می‌دهند تا چرخه پایان یابد. چرخه زمانی پایان می‌یابد که همه هم‌دون‌ها یک بار شیر از سایرین دریافت کرده باشند. در روند شیردان هر یک از زنان وظیفه دارند میزان شیری را که قرض می‌دهند و قرض می‌گیرند به خاطر بسپارند (یعنی به طور مثال نفر اول یک بادیه و دو آبگردان شیر، نفر دوم سه بادیه و دو شربتی شیر، و سایر افراد هم به همین شکل شیر خود را به یک فرد واحد قرض می‌دهند و این کار را چند روز انجام می‌دهند و هر روز شیری را که قرض می‌دهند به شیر روز قبل اضافه می‌کنند و به خاطر می‌سپارند و این کار تا زمانی که به آن فرد شیر قرض می‌دهند انجام داده می‌شود و هر فرد این کار را در مورد همه هم‌دون‌ها انجام می‌دهد. تا زمانی که در چرخه نوبت به خود فرد برسد، در آن زمان هم‌دون‌ها نخست شیری را که فرد قرض داده بود تسویه می‌کنند، سپس، مقداری شیر نیز به او قرض می‌دهند تا چرخه ادامه یابد. این روند برای همه افراد شریک در شیرواره و هر چند روز که چرخه باشد اتفاق می‌افتد). میزان شیر قرض‌داده یا قرض‌گرفته به اشکال مختلفی یادآوری می‌شود: برخی از زنان باسواد دفتری تهیه می‌کنند و این میزان‌ها را در آن یادداشت می‌کنند. از آنجا که اکثر زنان روستایی کم‌سواد یا بی‌سوادند، آنان یا به طور ذهنی این

گردن فرد تا سال آینده باقی می‌ماند. در سال بعد، آن فرد قبل از هر چیز باید قرض سال پیشین خود را ادا کند، سپس، دوباره قرض بدهد و بگیرد؛ حتی اگر یکی از شریک‌ها در دوزن کردن تغییر کرده باشد، نخست باید بدهی پیشین خود را تسویه کند، بعد با هر فردی که مایل بود شیردان کند و، به عبارتی، چرخه دان جدید را شروع نماید. قرض‌های باقی‌مانده را هر فرد در ذهن خود ثبت می‌کند، ولی همیشه سعی می‌شود قرض هر سال در همان سال ادا شود.

کیفیت شیر و محصولات تولیدی در نظام شیردان

در اوایل فصل بهار- که چربی شیر کمتر است، ولی میزان شیر بیشتر، البته عمده شیر را نیز بره‌ها می‌خورند- از شیر برای تهیه محصولات هم‌چون کره، روغن، و کشک و قرا استفاده می‌شود، زیرا این محصولات ماندگاری بیشتری دارند و به مدت طولانی باقی می‌مانند و فاسد نمی‌شوند. در اواخر فصل بهار (شصتم و هفتادم) میزان شیر کاهش می‌یابد، ولی کیفیت آن رفته رفته افزایش می‌یابد، به طوری که در اول تیرماه (نودم) به بهترین کیفیت خود می‌رسد. پس از آن، مجدداً چربی شیر کمی کمتر می‌شود؛ از همین تاریخ نیز زنان به تهیه پنیر می‌پردازند. اصولاً چربی شیر بز کمتر از گوسفند است، به همین دلیل، پنیر میش خوش طعم‌تر و گاهی گران‌قیمت‌تر است. همچنین، طبع شیر بز سرد است و طبع شیر گوسفند گرم؛ در روستا از این ویژگی‌ها برای درمان بیماری‌های مختلف استفاده می‌شود. جدول ۱ فرآورده‌های تولیدی در روستا و طی نظام شیردان، همچنین میزان مواد اولیه لازم، فصل عمل‌آوری، قیمت، و موارد مصرفی هر یک از محصولات را نشان می‌دهد.

کمتری دوشیده می‌شود، چرخه چهارروزه باشد، در زمان برگرداندن این شیر، چون شیر دام‌ها زیاد شده، چرخه در مدت کوتاه‌تری انجام می‌شود و طی مدت کمتری قرض افراد ادا می‌شود. در عین حال، هر چه به آخر فصل تابستان نزدیک می‌شویم و شیر کمتر می‌شود، مدت زمان بیشتری نیز طول می‌کشد تا شیر قرض‌گرفته شده پس داده شود. به این ترتیب، می‌توان این گونه بیان کرد که زمانی که دام بیشترین شیردهی را دارد، چرخه در مدت زمان کمتری طی خواهد شد. در طی این چرخه، که شیر قرض داده و گرفته می‌شود، طبیعتاً کسی که شیر بیشتری می‌گیرد مدت زمان بیشتری هم طول می‌کشد تا قرضش را بدهد. در طی مدتی که چرخه‌ها جریان دارند، دان برای هر کسی که باشد همه در خانه آن فرد جمع می‌شوند و شیرها را برای آن فرد می‌برند. سپس، همان جا می‌مانند، شیرها را پیمانه می‌کنند و سپس به صاحب‌خانه، که دان برای اوست، کمک می‌کنند و شیرها را صاف می‌کنند و سپس هر کس به خانه خود می‌رود. این کار تا زمانی که شیر دام‌ها زیاد است روزی دو بار، صبح و عصر، انجام می‌شود و وقتی که شیر دام کاهش می‌یابد، روزی یک بار انجام می‌شود. روند شیردان در این مدت، مطابق آنچه پیش از این اشاره شد، ادامه می‌یابد تا آغاز فصل پاییز که شیر کم می‌شود. در آغاز فصل پاییز که شیر به میزان زیادی کاهش می‌یابد، افراد شریک در چرخه فقط به تسویه قرض‌های خود اقدام می‌کنند و دیگر شیر قرض نمی‌دهند و نمی‌گیرند تا هنگامی که قرض همه شریکان داده شود و همه با هم بی حساب شوند. گاهی نیز پیش می‌آید که فرد هنوز به یکی از همسایه‌ها شیر بدهکار است، ولی دام‌هایش دیگر شیر ندارند. اگر این شرایط پیش آمد، این قرض و دین بر

جدول ۱. فرآورده‌های تولیدی در نظام شیردان و قیمت هر یک به ریال در سال ۱۳۹۲

نام فرآورده	تهیه شده از	میزان مورد نیاز ماده اولیه برای تهیه محصول (کیلوگرم)	میزان فرآورده تولیدی (کیلوگرم)	قیمت هر کیلوگرم از محصول (ریال)	مورد	فصل
کره	شیر	۲۰	۱	۵۰۰۰۰۰	صبحانه	بهار
ماست	شیر	۰/۷۵۰	۱	مصرف خانگی	همراه غذا	بهار و تابستان
روغن	شیر	۲۰	۰/۷۵۰	۱۲۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰	مکمل غذا	بهار
کشک	دوغ	۲۰	۵	۲۰۰۰۰۰	چاشنی و تنقلات	بهار
قرا	دوغ	۲۰	۲	۶۰۰۰۰	چاشنی و تنقلات	بهار
پنیر	شیر	۱۰	۳	۶۵۰۰۰۰	صبحانه	تابستان

طرز تهیه پنیر به شیوه سنتی

برای تهیه پنیر، شیر دوشیده شده صاف می‌شود. شیر صاف شده به قازان منتقل و جوشانده می‌شود. «آغوز» که مایه^۱ تهیه پنیر است (تهیه آغوز به این صورت است که بزغاله‌ای را که تازه به دنیا آمده و برای مدتی از شیر مادر تغذیه نموده است ذبح می‌کنند و شیردان بزغاله را خارج می‌نمایند. این شیردان حاوی شیر آغوز است که آن را خشک می‌نمایند و از آن به عنوان مایه پنیر استفاده می‌کنند)، را به همراه هل و میخک و زنجبیل، که اصطلاحاً به آن «دوای گرم» گفته می‌شود، در ظرفی مخلوط می‌کنند و بعد روی شیر صاف می‌شود. وقتی این مواد وارد شیر می‌شود شیر سریع جمع می‌شود، که به این حالت «دلمه» گفته می‌شود. دلمه را سپس در کیسه می‌ریزند و با استفاده از چوب کوتاهی به نام «تخماق» کیسه غلتک

می‌شود تا آب اضافه دلمه خارج شود. دلمه سه الی چهار روز درون کیسه می‌ماند. پس از آن دلمه را درون مشک می‌ریزند تا آب آن باز هم برود. پس از اینکه دلمه چهار روز در مشک باقی ماند، آن را خارج می‌کنند و کمی نمک به آن می‌افزایند. سپس، دوباره به کیسه‌ای ریخته می‌شود. پس از آنکه یک روز در کیسه باقی ماند، آن را از کیسه خارج می‌کنند و آن را وارد پوست بز می‌کنند. سپس، به مدت بیست روز تا یک ماه آن را در جای خنکی، مانند سایه دیوار یا چادر می‌گذارند تا پنیر به عمل آید. پنیر به دست آمده ماندگاری بالایی دارد و تا چندین ماه می‌توان از آن استفاده کرد.

مزایا و آثار تعاونی سنتی زنانه شیردان

از جمله مزایای این نظام می‌توان به کاهش حجم کار زنان روستا اشاره کرد. بر این اساس دیگر نیازی نیست که زنان روستا هر روز با مقدار کمی شیر کل فرایند تهیه محصول را انجام دهند. آن‌ها در روزهای کمتر با حجم شیر بیشتر کار را انجام می‌دهند. زنانی

۱. مایه آنزیمی است که از آن به منظور عمل‌آوری محصولات چوبی پنیر استفاده می‌شود و به طور سنتی از بافت داخلی شکم گوساله و یا شیر باقی مانده در بدن دام ذبح شده به دست می‌آید.

ماست تهیه می‌کند. این کاسه ماست مایه تهیه سایر لبنیات است. با تغییر دان، سردون به همراه شیر خود، که برای قرض به خانه نفر بعدی می‌برد، یک کاسه ماست نیز به آن فرد می‌دهد و آن فرد هم همین کار را انجام می‌دهد و به این ترتیب کاسه ماست می‌چرخد تا دوباره نزد صاحب اصلی بازمی‌گردد. کاسه ماستی که داده می‌شود معروف به سفیدی (روشنی) خانه است. وقتی فردی کاسه ماست را می‌دهد می‌گوید: «سفیدی خانه‌ام را بردی.» که همان رفتن برکت از خانه است. به همین دلیل هم این سفیدی و برکت باید به خانه برگردد تا در سال‌های بعد هم خانه بابرکت باشد. در روستا مایه مورد استفاده برای تهیه لبنیات را برکت می‌دانند، به همین دلیل، باید در طول فصل شیردوشی در میان هم‌دون‌ها دور بزنند و در پایان فصل شیردهی به صاحب اصلی برگردد. باور فرهنگی دیگر در بین ساکنان روستای قصر یعقوب این است که گفته می‌شود در زمان غروب آفتاب، که در روستا اصطلاحاً به آن «زرده شوم» می‌گویند، سفیدی نباید از خانه خارج شود، حتی به عنوان قرض یا هدیه؛ زیرا باعث «بی‌برکتی» یا حتی باعث مرگ و میر دام‌ها و بروز اتفاق ناخوشایندی می‌شود. این سفیدی شامل چیزهایی است، مانند شیر، ماست، تخم‌مرغ، آرد، قند و ... در منطقه همچنین منع هست که شیر و ماست بفروشند، زیرا می‌گویند با این کار سفیدی خانه می‌رود، یعنی اگر شیر و ماست چند برابر قیمت اصلی هم خریداری شود، نمی‌فروشند، ولی کشک و پنیر و روغن را می‌فروشند. به طور کلی، روستائیان معتقدند زمین و دام برکت است و دارای ارزش و احترام زیادی است. پس باید این برکت‌ها حفاظت و صیانت شوند و سهل‌انگاری و احترام‌نهادن به آن‌ها باعث رفتن برکت و سلامت از زندگی می‌شود.

که با یکدیگر هم‌دون می‌شوند معمولاً روابط آنان با هم صمیمانه‌تر و نزدیک‌تر می‌شود. در واقع، این ارتباط هر روزه، طی ۱۶۰-۱۸۰ روز، به دوستی و همدلی عمیقی می‌انجامد تا جایی که گاهی این افراد، در مقایسه با اعضای خانواده‌شان، به یکدیگر نزدیک‌ترند. هم‌دون‌ها درباره مسائل مختلف با یکدیگر مشورت و همدیگر را راهنمایی می‌کنند. این بالا رفتن سطح اعتماد و اطمینان در جامعه زنان پایه‌های ساختار اجتماعی را در روستا مستحکم‌تر می‌کند.

عقاید و باورهای فرهنگی در تعاونی سنتی شیردان

در روستاها و جوامع سنتی کشور همواره عقاید و باورهایی وجود دارد. این عقاید و باورها، فارغ از اینکه به لحاظ علمی توضیح‌ناپذیر است، از نظر جنبه‌های معنوی و ارزشی برای ساکنان حائز اهمیت است. این باورها و سنت‌ها هرچند از لحاظ کاربردی تأثیری بر مشارکت‌ها ندارند، به لحاظ روحی و ارزشی، رعایت نکردن آن‌ها و پایبند نبودن به آن‌ها در روند مشارکت تأثیر می‌گذارد. از جمله سنت‌های رایج و حائز اهمیت در نظام شیردان این است که سردون یا نخستین فردی که در بهار از سایرین شیر می‌گیرد، در اولین روز آغاز چرخه شیردان (فصل بهار)، همه هم‌دون‌ها را به منزل خود دعوت می‌کند و از آن‌ها برای میمنت و تبرک آغاز شیردان، مفصل، پذیرایی می‌کند. همچنین، هر بار که «دان» عوض می‌شود و به خانه یکی از هم‌دون‌ها می‌رود، صاحب دون در خانه خود از سایر هم‌دون‌ها با چای و شیرینی و گز و یا هر چیزی که در منزل دارد پذیرایی می‌کند. این رسم از قدیم بوده و هنوز هم زنده و رایج است. سنت دیگر رایج به این صورت است که سردون با نخستین شیری که از دام خود می‌دوشد

بحث و نتیجه گیری

دانش بومی هر قوم بخشی از سرمایه ملی است که باورها، ارزش‌ها، دانسته‌ها، و ابزار زندگی آن‌ها را دربر می‌گیرد. این دانش گنجینه‌ای است ارزشمند از تجربیاتی که طی آزمون و خطای چندین هزارساله جامعه در ارتباط با محیط به دست آمده است. دانش بومی از نیازهای حقیقی و امکانات و محدودیت‌های محیطی سرچشمه می‌گیرد، پس با اوضاع هر منطقه سازگاری مناسبی دارد. اقوامی که در نقاط مختلف ایران به دامداری مشغول‌اند متناسب با نوع طبیعت خود شیوه‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری اتخاذ کرده‌اند. این شیوه‌ها شامل روابط تکنیکی‌ای است در بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعی؛ و در مجموع یک نظام بهره‌برداری را شکل می‌دهد که با شرایط محیطی و فرهنگی سازگار است. دانش بومی زیست‌محیطی نقش بسیار مهمی در مدیریت پایدار منابع طبیعی و در زمینه دامداری ایفا می‌کند [۱۱]. شیوه‌های مشارکت و یاریگری در بهره‌برداری در مناطق مختلف ایران متناسب با فرهنگ و شرایط محیطی آن منطقه اتخاذ می‌شوند و، در نهایت، یک نظام بهره‌برداری پایدار را پدید می‌آورند که ریشه در دانش بومی و تجربه‌های شغلی قرن‌های گذشته این مرز و بوم دارد و تا جامعه پابرجاست، به عنوان پایه‌های فرهنگی و فنی، به تکامل ادامه می‌دهند [۱۶]. بی شک، زنان روستایی، با تجربیاتی ارزنده در این زمینه، در رشد و ارتقای بخشی به منزلت این دانش نقش کلیدی و مهمی دارند. قطعاً کاربرد این یافته‌ها در توسعه جوامع دنیا نویدبخش دگرگونی اساسی و درازمدت در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی است. همان طور که در این بررسی نشان داده شد، در منطقه مورد مطالعه زنان روستایی با حفظ سنت کهن و چند صدساله شیردان در کنار مدیریت اصولی به مشارکت و یاری یکدیگر در فرآوری محصولات لبنی خود می‌پردازند.

شیوه مشارکتی شیردان، علاوه بر تقویت روحیه یاری و همکاری در میان زنان روستای قصر یعقوب، پایه‌های یکی از قدیمی‌ترین رسوم روستا و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی منطقه را نیز مستحکم‌تر می‌سازد. به عبارتی، استفاده از دانش بومی در مدیریت فرآورده‌های لبنی در منطقه مورد بررسی نشان از استحکام درخور توجه این نظام و ساختار دارد. مطابق بررسی دیگری که در منطقه ناریان انجام گرفت، محقق به بیان نوعی تعاونی سنتی به نام «چکنه»، که در بین گله‌داران آن منطقه رواج داشت، پرداخت. در این تعاونی، که در طول تابستان شکل می‌گیرد، صاحبان گله با تعداد دام محدود، دام‌های خود را در یک واحد دامی بزرگ‌تر متحد می‌کنند و با قرض دادن شیر دام‌های خود به یکدیگر از محصولات و فرآورده‌های دامی بیشتر و به صورت بهینه بهره می‌برند. وی بیان می‌کند واره در منطقه ناریان، علاوه بر اینکه سبب نهادینه‌شدن باورهای فرهنگی مختلف در ارتباط با شیر دام‌ها در بین بهره‌برداران می‌شود، از ارکان ثبات اقتصادی زندگی گله‌داران نیز است و با حذف سنت‌های محلی و دانش بومی در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی زندگی آن‌ها از بین خواهد رفت [۱۰]. در تحقیق دیگری که پیرامون سنت‌های محلی در مدیریت شیر دام‌های گوسفندی و گاوی در جنگل‌های بالادست شمال کشور صورت گرفت محقق بیان می‌کند که نوعی تعاونی سنتی با عنوان «شیر به شیر» بین گاوداران روستای کدیر برای مدیریت شیر دام‌های گاوی شکل می‌گیرد. این فرایند متفاوت از نهاد اجتماعی در ارتباط با اداره دام‌های گوسفندی است. در میان صاحبان گله‌های گوسفندی اساس تقسیم‌بندی محصولات شیری در تابستان مکانیسمی است به نام «عیارزنی». عیارزنی نیز نوعی نهاد اجتماعی در میان افراد به‌شمار می‌رود و، بر

منوط به تعادل و پایداری سه منبع طبیعی، اجتماعی، و فرهنگی است [۲۰]. باورهای شکل گرفته در زمینه شیوه‌های شیردوشی و مدیریت فرآورده‌های شیری جزئی از فرهنگ دامداران ساکنان قصر یعقوب است که با ازبین رفتن آن‌ها پایداری اجتماعی و، در نهایت، پایداری طبیعی در آشیان اکولوژیک، مانند قصر یعقوب، از بین خواهد رفت و کل سیستم مختل خواهد شد. در بررسی موشکافانه‌واره آشکار می‌شود که گذشتگان ما انگیزه شروع و تداوم همکاری میان مردم را صرفاً در منافع اقتصادی افراد نمی‌دیدند. جنبه‌های فرهنگی این تشکل اقتصادی، اجتماعی، و محلی در تداوم و پایداری آن نقش کلیدی داشته است. رعایت اصول فرهنگی و پایبندی به مراسم خاص واره‌داری، بدون شک، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و انضباط لازم برای عملکرد مؤثر این تشکل داشته است [۷]. فرهادی، در کتاب واره، بیان می‌کند که گاه با حذف تمام دلایل اقتصادی، زن‌ها در واره باقی می‌مانند و این بی‌تردید به سبب کارکردهای دیگری است که حداقل به عنوان مقوم واره را تقویت می‌کند. این کارکردها در واقع کارکردهای اجتماعی و روانی و کارکردهای تفریحی - آموزشی این نظام است، که می‌توان آن‌ها را کارکردهای پنهانی واره نامید. عضویت در واره همچنین پاسخ‌گوی نیاز زنان به درد و دل‌کردن و تبادل تجربه درباره مسائل مختلف است. نیاز اجتماعی زنان به حفظ استقلال مالی و فنی از مردان نیز از دیگر انگیزه‌های همبستگی زنان در تشکل واره است؛ این امر موجب تقویت حس اقتدار مدیریت در میان زنان می‌شود، به طوری که عدم عضویت در واره برای زن و خانواده او موجب اشکال در بسیاری مرادوات اقتصادی و اجتماعی می‌شود [۸]. شیوه خاص تهیه و فرآوری محصولات لبنی در منطقه از دیگر نکات مورد توجه در این مقاله است. دانش بومی، که از آن در مراحل و

اساس آن، صاحبان دام‌های گوسفندی شیر و محصولات لبنی را در بیلاقات بین یکدیگر تقسیم می‌نمایند [۲]؛ این نظام‌ها مشابه به سیستم «شیردان» در تحقیق حاضر است. در این سیستم نیز زنان دامدار، با روی هم ریختن شیر دام‌های خود، حجم شیر تولیدی و محصولات برگرفته از شیر را افزایش می‌دهند. این امر به بهره‌وری اقتصادی، خودکفایی، امرار معاش، و اقتصاد پایدار گله‌داران منجر می‌شود. تقویت نهادها اصلی اساسی در مدیریت مشارکتی منابع طبیعی است و وجود انسجام اجتماعی در جوامع محلی برای دستیابی به مدیریت پایدار اکوسیستم‌ها، به‌ویژه مراتع، است [۱۰]؛ این نتیجه مؤکد نتایج حاصل از نقش و اهمیت نظام‌های بهره‌برداری از تولیدات شیری در جامعه زنان روستا، به عنوان نمونه‌هایی از نهادهای اجتماعی سنتی و مردمی، در منطقه مورد مطالعه است. مرادوات شکل گرفته در قالب نظام شیردان، در عین اینکه موجبات سهولت اجرای فرایند سخت و زمان‌بر فرآوری تولیدات شیری را فراهم می‌آورد، باعث قوی‌شدن ارتباطات اجتماعی زنان روستا با همسایگان و هم‌دو‌ن‌ها در اثر ارتباط هرروزه نیز می‌شود. شرح رسم و رسومات، از جمله تأکید بر سحرخیزی و پذیرایی، حاکی از سهم عمده کارکردهای فرهنگی در کارایی و انسجام شیردان است. توجه به باورهای فرهنگی موجود در منطقه و شدت پایبندی اهالی روستا به مسائلی چون تقدس و متبرک بودن شیر و مایه یا لزوم بازگشت دوباره مایه در پایان فصل شیردهی، که مانع بی‌برکتی می‌شود، و مسائلی از این دست نشان از تأثیر عمیق این عقاید در مشارکت، همکاری، و مرادوة دامداران با یکدیگر و حفظ ساختارهای فرهنگی و اجتماعی روستا دارد. بر اساس نتایج بررسی‌های صورت گرفته در نقاط مختلف، می‌توان بیان کرد که پایداری یک اکوسیستم

فصول مختلف بهره‌برداری از شیر دام‌ها و از طریق استفاده از گیاهان دارویی و محلی در تهیه محصولات لبنی در منطقه بهره برده می‌شود، بیانگر وجهی از شرایط اقلیمی و فرهنگی منطقه است. این شیوه‌ها تا آن اندازه خاص و بومی است که گاهی در دو روستای مجاور نیز متفاوت است. در این باره محققان بر آن‌اند که نمی‌توان به دانش بومی روستائیان و عشایر و عملیاتی که برای حاصل‌آوردن لبنیات انجام می‌دهند بی‌توجه بود، زیرا محو تدریجی دانش فناوری‌های سنتی در این زمینه، که بعضاً نشانه‌هایی از آن امروزه یافت می‌شود، می‌تواند از بسیاری جهات نگران‌کننده باشد [۳]. امروزه، کشورهای در حال توسعه در پی آن‌اند که بر اساس اندیشه‌ها و نهادهای موروثی خود شکل تازه‌ای از جامعه را خلق کنند [۴]. همچنین، باید توجه داشت که کمترین فایده شناخت و فهم تعاونی‌های سنتی، همچون واره، این است که زمینه و فضا و پتانسیل فرهنگی مناسبی را برای آفرینش هر گونه مشارکت و تعاونی فراهم می‌سازد. به طور کلی، دانش بومی و راهکارهای سنتی مجموعه‌ای از دانش تجربی بشر است که نه تنها از طریق علم کاملاً قابل فهم و درک است، بلکه برای ابداع راهکارهای مناسب قرن بیست و یکم ضروری است [۸]. بنابراین، ضرورت دارد تا، ضمن استفاده مقتضی از تجارب دیگران، به شناخت فرهنگ و مسائل حاکم بر جوامع روستایی کشور پرداخت و در جهت رفع موانع موجود اقدام کرد [۹].

در نهایت، می‌توان بیان کرد که دانش بومی و سنت‌های محلی هر منطقه در فعالیت‌ها و حافظه مردم ذخیره می‌شود و در آداب و رسوم، ارزش‌های فرهنگی، باورها، و قوانین اجتماعی تجلی می‌یابد. این سنت‌ها در هر منطقه نهادینه شده‌اند و ساختارهای

اقتصادی و اجتماعی آن منطقه را تشکیل می‌دهند. دانش سنتی در روستا به نوعی پایه‌های اقتصاد و معیشت زندگی روستایی را تشکیل می‌دهد، به طوری که با حذف و نابودی این سنت‌ها معیشت روستائیان منطقه به مخاطره می‌افتد. بنابراین، برای حفظ پایداری و ثبات جوامع محلی و دانش بومی آن‌ها، که تضمین‌کننده حیات فرهنگی و اجتماعی ملل است، باید با بهره‌گیری از رویکرد مدیریت مشارکتی در عرصه‌های مختلف، به‌خصوص مراتع، به صیانت، حفاظت، انتشار و همچنین بهره‌گیری از دانش بومی در مناطق مختلف پرداخت. همچنین، تقویت نهادهای اجتماعی، همچون شیردان، و حفظ انسجام اجتماعی در جوامع محلی اصلی اساسی در مدیریت پایدار منابع طبیعی است. باید به این مهم توجه داشت که دانش بومی وقتی ارزشمند و کاربردی خواهد شد که دانش محلی درست مانند سیستم دانش رسمی مستند، تفکیک، ارزیابی، و عملی شود و در آرشئو ملی و ناحیه‌ای و بین‌المللی طبقه‌بندی گردد. در واقع، بایستی کوشش‌هایی در زمینه تلفیق نظام‌مند دو دانش انجام گیرد و موانع ارتباط دوسویه بین آن‌ها برداشته شود. همچنین، ضرورت دارد حراست از سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی موجود در جوامع روستایی بیش از پیش مورد توجه دستگاه اجرایی منابع طبیعی کشور قرار گیرد. باید توجه کرد که حفظ و حراست از سنت‌های محلی و دانش بومی در تولید و مدیریت شیر دام‌های گوسفندی سبب تقویت مؤلفه‌های اقتصادی زندگی جوامع بومی می‌شود و، بدون شک، با از بین رفتن این سنت‌ها پایه‌های اقتصادی زندگی آن‌ها و تولیدات شیری نیز در معرض تهدید قرار خواهد گرفت.

References

- [1] Abbasi, A. (2003). VARA: An ancient tradition of women's cooperatives in Iran, *Iranian Journal of Anthropology*, No. 4, 243-258.
- [2] Ali Babaei, E., Ghorbani, M., Marvi Mohajer, m. and Avatefi Hemat, M. (2014). Indigenous Knowledge and Local Traditions in management of sheep products (Case Study: Kodir village- Mazanderan province), *Rangeland Journal, The Scientific and Research Journal of Iranian Range Management*. (acceptance)
- [3] Barani, H. (2006). Native solution to diversify products and finding a way to reduce waste in dairy processing (Case study: dairy production chain in the eastern Alborz transhumances), 16th National congress of Iran Food Industry, gorgan university of Agricultural sciences and Natural Resources.
- [4] Batomor, T.B. (1979). *Sociology*. translated by Mansour, H. & Hoseini Kajkolahi, H., Edition 3, Iran's pocket book company, 418p.(In persion)
- [5] Berkes, F., Colding, J. and Folke, C. (2000). Rediscovery of traditional ecological knowledge as adaptive management. *Journal of Ecological Applications*, 10, 1251-62.
- [6] Bozarjamhari, Kh. (2003). The role of traditional knowledge in sustainable rural development, *Traditional And Development Iranian Journal*, No. 2, 5-20.
- [7] Chambers, R. (1986). *Rural Development: putting the last first*. New York: John Wiley & Sons, 312p.
- [8] Farhadi, M. (2008). *VÂRA: introduction to anthropology and sociology*, Enteshsar publication Co., 545p. (In Persian).
- [9] Farhadi, M. (2008). Typology of co-operation and traditional companies in Iran, *Journal of humanities and social sciences*, No. 2, 14-59.
- [10] Ghorbani, M. (2012). *The role of social networks in Rangeland utilization Mechanisms (case study :Taleghan Region)*, Ph.D. thesis, Faculty of natural resources , University of Tehran, 430p.
- [11] Ghorbani, M., Azarnivand, H., Mehrabi, A.A., Jafari, M., Nayebi, H. and Seeland, K. (2013). The role of indigenous ecological knowledge in managing rangelands sustainably in northern Iran. *Ecology and Society*, 18(2), 15.
- [12] Grimble, R. and Laidlaw, M. (2002). Biodiversity management and local livelihoods: Rio plus 10. *ODI Natural Resource perspectives*, No. 73. Januray.
- [13] Hare, M. and Krywkow, J. (2008). Participatory process management. *International Congress on Environmental Modeling and Software*, pp. 888-899.
- [14] Hoseini, A. (2012). Traditional systems exploit that summer rangeland in Golestan province (case study: Sarali Abad Rangeland in Gorgan), *Abstracts of the 5th National Conference on Range and Range Management of Iran*, Islamic Azad University, Boroujerd Branch .p. 170.
- [15] Keough, N. (1998). Participation development principle. *Journal of Community Development*, 33, 186-196.
- [16] Lee, R.A. (1990). *Community and forestry continuities in the sociology of natural resources*. West view press, 367p. (Colorado, USA).
- [17] Rashtian, A. and Karimian, A.A. (2011). Assessment and comparison of experts and pastoralists opinion about grazing systems in Range Management Plans in Semnan province, *Rangeland Journal ,The Scientific and Research Journal of Iranian Range Management*, Vol. 5, No. 1, 92-109.
- [18] Saedi Goraghani, H., Heidary, G., Barani, H. and Alavi, S.Z. (2011). Assessment the effect of

- type common right of ranchers on range condition and production (case study: Damavand summer Rangeland in Amol county), *Rangeland Journal, The Scientific and Research Journal of Iranian Range Management*, Vol. 5, No. 3, 334-343.
- [19] Seeland, K. (1993). Environment and Social Erosion in Rural communities of South Asia. In: Werner, W.L. (ed.), *Aspects of Ecological Problems and Environmental Awareness in South Asia*. New Dehli :Manohar Publ., pp. 21-39.
- [21] Seeland, K. and Schmithüsen, F. (2000). The Meaning of Indigenous Knowledge in the Use and Management of Renewable Natural Resources. In: Seeland, K. and Schmithüsen, F., editors, *Man in the forest: local knowledge and sustainable management of forests and natural resources in tribal communities in India*. D.K. Print world (P) Ltd. New Delhi, India, 1-10.
- [21] Sutton, M.Q. and Anderson, E.N. (2010). *Introduction to Cultural Ecology*, Altamira Press. United Kingdom.